

سازمان اورژانس کشور

کتاب
فرشته
مددالهی
موبل

چوب جادوی فرشته حیات





کد را با گوشی آیفون
اسکن کنید





کد را با گوشی اندروید
اسکن کنید



بِسْمِ
اللَّهِ
الرَّحْمَنِ
الرَّحِيمِ



بچه‌های عزیز سلام

کتاب چوب جادوی فرشته حیات، یک کتاب جادوییه، شما میتونید با کمک مامان و بابا نرم افزار کتابو نصب کنید و با گرفتن دوربین موبایل روی هر تصویر شعر و داستان اونو، با صدای فرشته حیات بشنوین و کلی بازی کنین.



چوب جاذوی
فرشته حیات

سازمان اورژانس کشور



سازمان اورژانس کشور

چوب جادوی فرشته حیات

مدیر هنری: گروه آوند

شاعر: مریم کفاش / نسرين حلبیان

تصویرساز: سمانه کیوانلو

صداپیشه: آیداسادات قطب

تولید نرم افزار: گروه واقعیت افزوده آوند

طراحی جلد و صفحه آرایي: گروه گرافیک آوند

لیتوگرافی:

چاپ و صحافی:

تیراژ:

قیمت:

تجمع در حوادث ۱۶

پمب بنزین ۱۸

سکته قلبی ۲۰

مسمومیت با مونواکسید ۲۲

سکته مغزی ۲۴

آشنایی با اورژانس ۶

فرشته حیات ۸

شماره اورژانس ۱۰

مزاحمت به اورژانس ۱۲

بازکردن مسیر آمبولانس ۱۴

فهرست





آشنایی با اورژانس

تو هر زمان که باشه
تو هر مکان نیاز شه
سرعتی حاضر میشیم
تا خیالت راحت شه

تو دل هر سیاهی
وقتی نباشه راهی
حتی وقت مریضی
سختی ها و بیماری

اتوبوس آمبولانس
هست همیشه تو اورژانس
تو حوادث بزرگ
میده به بیمارانش

اون ونه آمبولانسه
آماده ی نجاته
کافیه درخواست کنی
تند و سریع باهاته

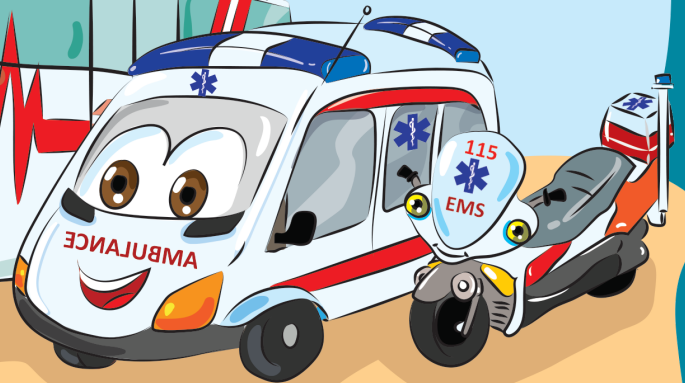
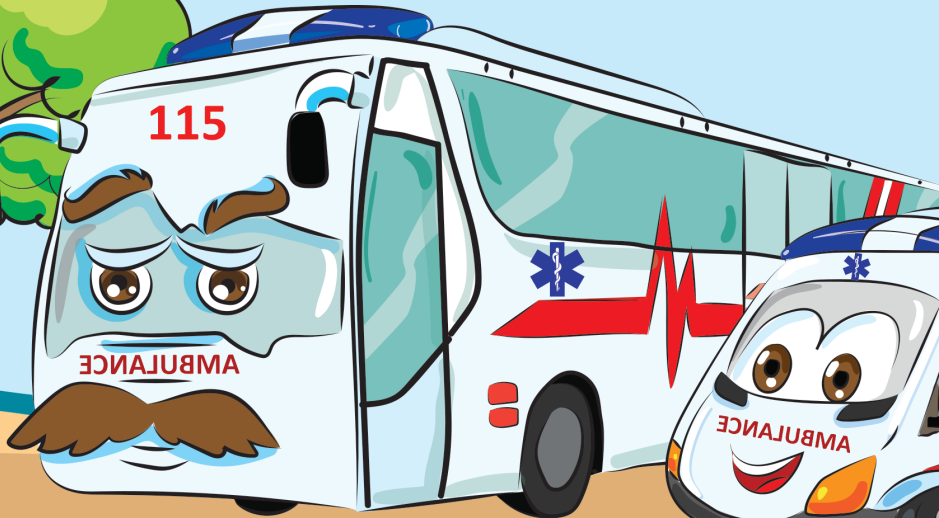
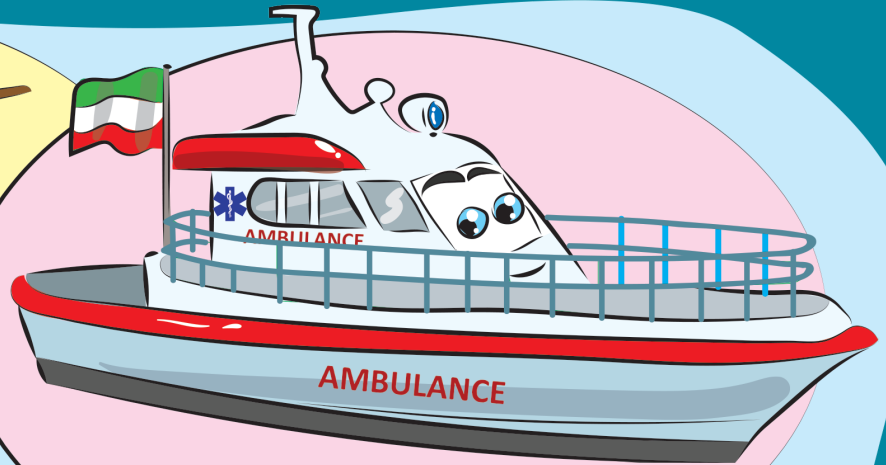
وقتی تصادف میشه
یا کسی مجروح میشه
وقتی حالت بد میشه
اوضاع دگرگون میشه

وقتی راهی نباشه
تموم راهها قفل شه
با اورژانس هوایی
راه نجات باز میشه

هرجایی که نیاز شه
تو دریا هم که باشه
قایق آمبولانسه
که عامل نجاته

تو مجموعه اورژانس
وجود داره موتور لانس
خیلی سریع و تنده
فوری میاد از اورژانس

رو کمکم حساب کن
چشاتو فوری باز کن
با خونسردی کامل
با من فکر تماس کن



فرشته حیات

این یه چوب جادو
که سرشار از نیرو
هر لحظه که تو بخوای
خیلی فوری پهلوته

به من میگن فرشته
شبیهِ یک معجزه
تو هر زمان که باشه
ظاهر میشم دوباره

سلام سلام بچه‌ها
گل‌های ناز و زیبا
این بالارو ببینین
ایستاده‌ام من اینجا

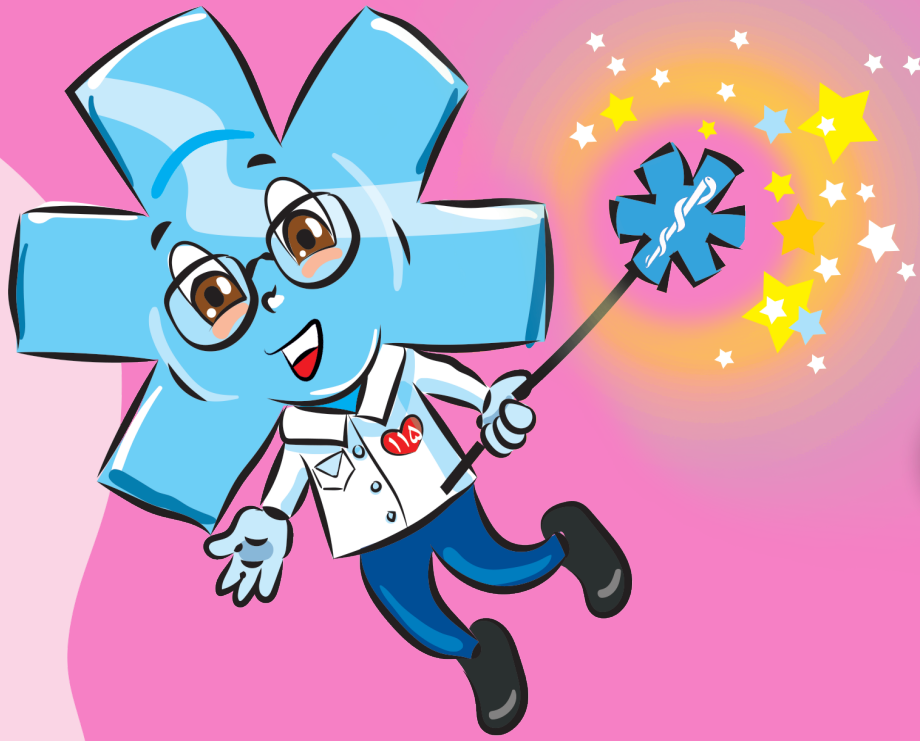
بزن رو چوب جادو
هر وقت خواستی نجاتو
تا که بریزم برات
ستاره‌ی حیاتو

فرشته‌ی حیاتم
معجزه‌ی نجاتم
تو دل هر حادثه
مواظب و همراهم

بخواین با من دوست بشین
خوشحال و خندون بشین
باید منو بشناسین
به صحبتام گوش بدین







یکو بگیرو بعدش
یه دونه یک دیگه
حالا نوبت پنجه
این شماره یه گنجه

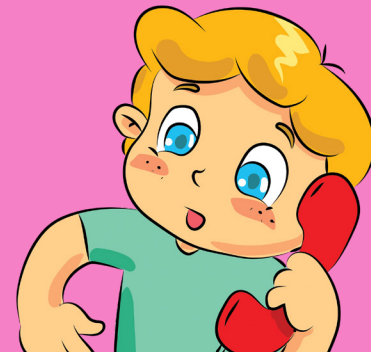
یادت باشه همیشه
که توی هر حادثه
پرستار اورژانسه
به داد ما می رسه

هیچوقت فراموش نکن
شماره اورژانسو
همیشه حفظ داشته باش
شماره حیاتو

وقتی تصادف میشه
اوضاع قاراش میشه همیشه
یا توی هر حادثه
بحرانی که شاخصه

هر بچه ای که خوبه
خبر میده به بنده
چطوری؟ خب معلومه
زنگ میزنه به بنده

شمارمو نوشته
اول دفتر مشقش
ولی میگم دوباره
حفظ بکنه تو مغزش





مزاحمت به اورژانس

اون میدونه همیشه
باید که خونسرده باشه
با خانم پرستار
وقتی که حرف میزنه

اینو یادمون باشه
مزاحمت به اورژانس
یعنی گرفتن شانس
از کسی که مریضه
نیاز داره به اورژانس

بزن رو چوب جادو
تا قطع کنی گوشیه
تا که بگی تو به او
دیگه مزاحم نشو

آتنه زنگ میزنه
قلب او تند میزنه
اما دلش آرومه
وقتی که حرف میزنه

مزاحمه میخنده
فک میکنه زرنکه
آتنه غصه داره
بغض میکنه دوباره

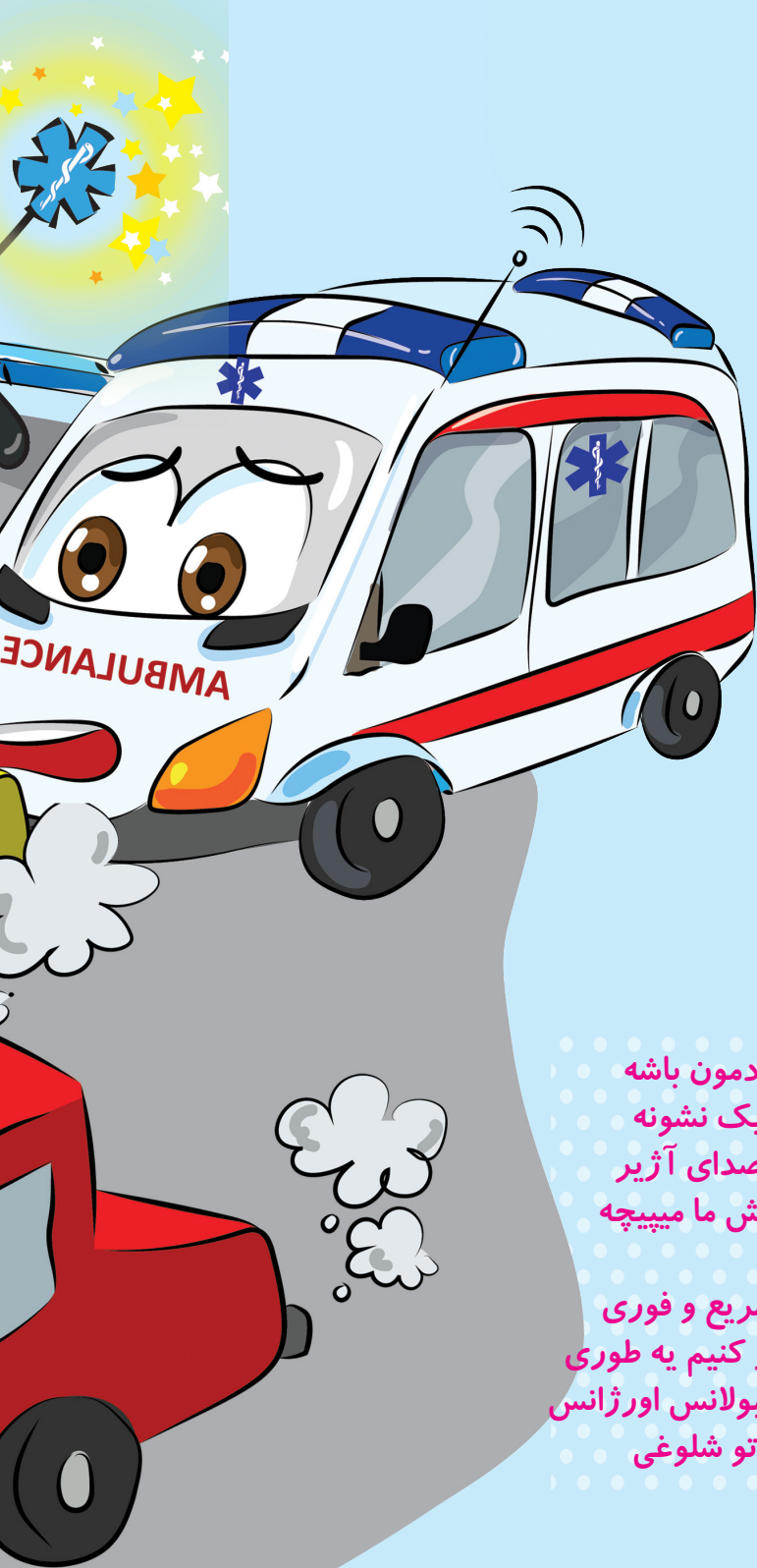
مزاحمت به اورژانس
یعنی گرفتن شانس
از کسی که مریضه
نیاز داره به اورژانس

مزاحمه دوباره
گوشیه بر میداره
واسه اینکه بخنده
شمارمو میگیره

از اون طرف آتنه
برادرش مریضه
شمارمو میگیره
ولی همش درگیره







بازکردن مسیر آمبولانس

راننده آژیر کشون
میره سمت یه میدون
راننده های نادون
به راست نمیدن فرمون

با چهره های خندون
با یه سرعت لنگون
خبر ندارن از اون
که با چهره ی لرزون

اینو یادمون باشه
شبيه یک نشونه
وقتی صدای آژیر
تو گوش ما میپیچه

باید سریع و فوری
راه باز کنیم یه طوری
که آمبولانس اورژانس
نمونه تو شلوغی

افتاده تو آمبولانس
داره فقط همین شانس
که با تموم سرعت
بره فوری به اورژانس

بزن رو چوب جادو
بلند به اونها بگو
برین تو لاین کندرو
باشین همه یه الگو

الو الو اورژانس
پیش اومده حادثه
خیابون هیفده
آدرس این واقعه

پرستارای اورژانس
میپرن تو آمبولانس
با سرعت و با دقت
می دن به بیمار یه شانس

تموم راهها بستس
پر از ماشین خستس
حتی کوچه فرعی
توش یه ماشین نشستس

شهر و به این شلوغی
حتما همیشه دیدی
میون این ترافیک
حتما یه بار تو بودی

خیابان ۱۷



تجمع در صحنه حوادث



هامون روی زمینه
همکار من میرسه
با دقت و با همت
به داد اون میرسه

تو این همه شلوغی
با این هوای دودی
همکار من نداره
تمرکز درستی

بزن رو چوب جادو
بلند به اونها بگو
که دور ما جمع نشن
لطفا مزاحم نشن

اینو یادمون باشه
تو دل هر حادثه
حضور ما میتونه
باعث دردسر شه

تو وسط خیابون
تو یه روز پر بارون
ماشین زده به هامون
پاهاش شده چه داغون

مدام میگه به مردم
یک آقای مهربون
برین کنار که مصدوم
داره میشه هراسون

تو این همه همهمه
صدای آژیر میاد
این خودروی امداده
که با دل شیر میاد

آژیر کشون میرسه
تو دل این واقعه
وای که چقد شلوغه
اطراف این حادثه





سوختگیری سریع آمبولانس

اون آمبولانسو ببین
توی صف پمب بنزین
بین ماشینا مونده
باید بزنه بنزین

بزن رو چوب جادو
بنزین برسون به او
برای زود رسیدن
باید بدی راه به او

وقتی صدای آژیر
میپیچه توی مسیر
یعنی که اورژانسیه
باید بره مثل تیر

وقتی توی پمب بنزین
اورژانس میاد بی بنزین
باید فوری کنار رفت
تا بزنه زود بنزین

هر آدمی تو دنیا
یا هر ماهی تو دریا
برای زنده موندن
نیاز داره به غذا

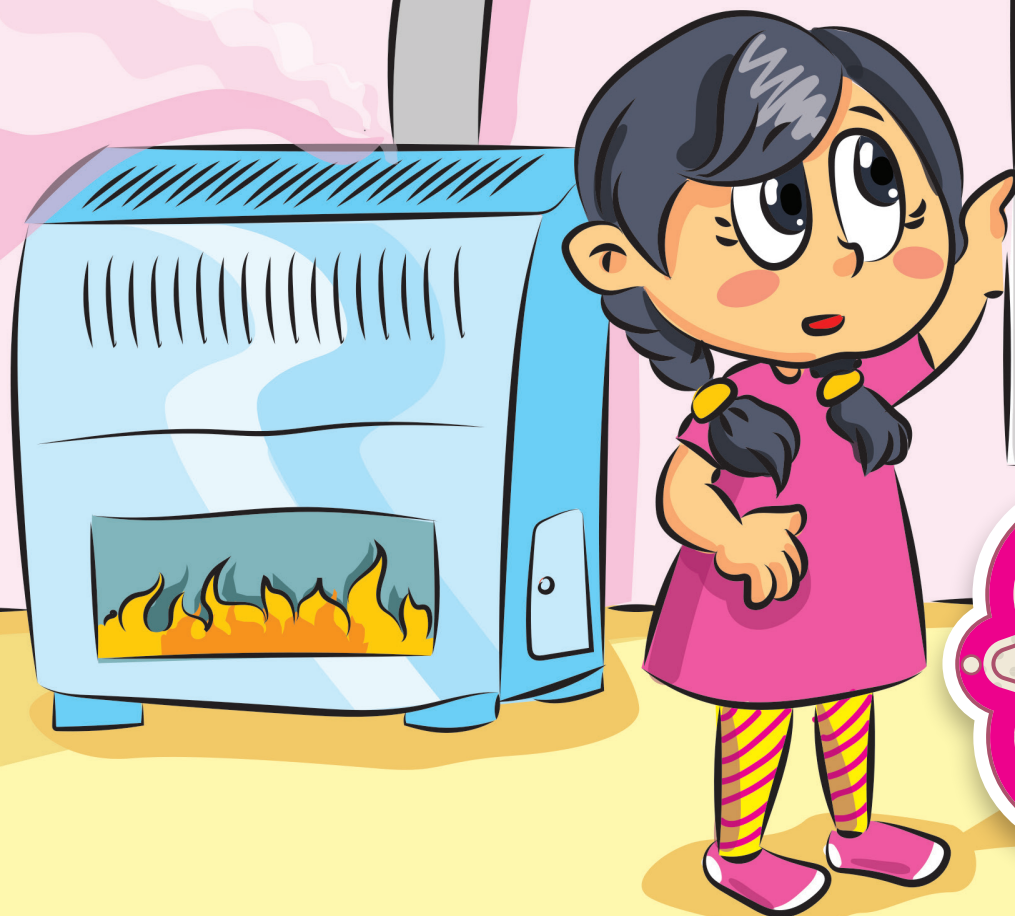
ماشین برای رفتن
حرکت و رسیدن
نیاز داره به بنزین
همون غذای ماشین



سکته قلبی

هر روز صبح وقتی بابای هامون آماده میشه که بره سرکار، سر میز صبحونه، هامونو میبوسه و به اون میگه همیشه مثل مامان و بابا شجاع و قوی باش، وقتی هم من نیستم مراقب خودتو مامان باش. هامون دیگه بزرگ شده و خودشو مرد خونه میدونه. امروز صبح وقتی بابا رفت سرکار و هامون مشغول دیدن کارتونای تلویزیون بود یهو صدای شکستن ظرف از آشپزخونه اومد. هامون مامانشو صدا زد. ولی مامان جواب نداد. هامون بلند شد و به سمت آشپزخونه رفت، یهو دید که مامانش روی زمین نشست و دستشو روی قفسه سینهش گذاشته، مامان هامون خیلی سخت نفس میکشید و یه عالمه عرق کرده بود. هامون ترسیده بود ولی یهو یاد حرفای فرشته حیات افتاد. هامون اول یه نفس عمیق کشید، بعد از مامانش خواست که بی حرکت بمونه. هامون از فرشته حیات یاد گرفته بود که وقتی کسی قفسه سینهش درد میگیره، سخت نفس میکشه، عرق میکنه و حالت تهوع داره احتمال اینکه حمله قلبی باشه وجود داره، هامون سمت تلفن رفت و شماره اورژانسو که حفظ کرده بود گرفت. آروم آروم با خونسردی حال مامانشو برای پرستار اورژانس تعریف کرد بعدش آدرس خونرو که باباش بهش یاد داده بود خیلی دقیق به پرستار گفت. هامون مثل یه مرد خونه به جای گریه کردن و جیغ زدن بهترین کارو کرد و به اورژانس خبر داد. اورژانس مثل فرشته حیات، میتونه همیشه تو سخت ترین شرایط به داد ما برسه. هامون نشون داد هامون نشون داد همیشه میتونه قوی باشه و حتی باعث نجات جون بقیه بشه.





مسمومیت با مونواکسید کربن

آتفه و برادرش فصل پاییزو خیلی دوست دارند. توی فصل پاییز همه جا رنگای قشنگ داره . هوا کم کم خنک و دلنشین میشه . پاییز فصل رنگای جورواجور قشنگه. بابای آتفه دیشب یه بخاری کوچیک تو اتاق برادر آتفه نصب کرده . هوای اتاق گرم و معتدل شده. آتفه صبح که از خواب پامیشه مثل همیشه میره سمت اتاق برادرش تا اونو بیدار کنه و با هم برن یه صبحونه خوشمزه بخورن. آتفه در اتاقو باز میکنه و هرچقدر برادرشو صدا میزنه اون بیدار نمیشه فوری مامانشو صدا میزنه مامانش میاد تو اتاق و میبینه که لوله ی بخاری نشتی داره و متوجه میشه که برادرش به خاطر گاز مونواکسید کربن بیهوش شده. فوراً به آتفه میگه که پنجره هارو باز کنه و خودش برادر آتفه را بغل میکنه و از اتاق بیرون میاره. آتفه فوراً به سمت تلفن میاد و شماره اورژانسو میگیره . آتفه سعی میکنه خیلی با دقت و خونسردی ماجرارو برای پرستار اورژانس توضیح بده و آدرس دقیق خونرو بهش بده.

یادمون باشه مونواکسید یه گاز بی رنگ و بی بوئه که بر اثر سوختن غیر طبیعی گاز و نشت مسیره‌های خروجی حاصل میشه، پس باید همیشه با دقت تموم وسایل توید کننده مونواکسیدو بررسی و امتحان کنیم.





امروز تولد ۶ سالگی هامونه. مامان و بابای هامون یک کیک تولد بزرگ برا هامون خریدند. روی کیک ۶ تا شمع رنگارنگه. هامون میخواد شمعاشو فوت کنه اما قبلش چشاشو میبنده تا یه آرزوی بزرگ بکنه. هامون تا میخواد شمعارو فوت کنه یهو باباش حالش بد میشه و میخوره زمین. هامون و مامانش فوری به سمت بابا میرن که متوجه میشن بابا با لکنت زبون حرف میزنه و نمیتونه دستشو حرکت بده. هامون و مامانش خیلی ترسیدن، آروم آروم یه طرف صورت بابای هامون حالت افتاده میگیره و انگار فلج شده، ناگهان هامون تو دلش از فرشته حیات کمک میخواد. فرشته حیات فوری ظاهر میشه و به هامون میگه که خونسردیتو حفظ کن و فوری به اورژانس زنگ بزن. بعدش بابارو تو حال راحت قرارش بدین و به اون آرامش بدین تا اورژانس برسه. هامون خیلی ترسیده که یهو با جیغ باباشو صدا میزنه. هامون از خواب میپره، تموم اینارو خواب میدید یه لیوان آب میخوره و بعدش از ته دل برا سلامتی مامان و باباش دعا میکنه. هامون از فرشته حیات یادگرفت که وقتی کسی لکنت زبون، فلج و ضعف یک دست یا یک پا پیدا میکنه احتمال سکته مغزی وجود داره و باید فوری به اورژانس اطلاع بده.





سازمان اورژانس کشور
معاونت آموزش و پژوهش